

بررسی رابطه چهار شاخص محرومیت، تجاری، فرهنگی و هنری با تعامل اجتماعی (مطالعه موردی: محله تختی شهرستان اسلامشهر)*

امین اسدی بگلوئی^۱، سعید ارجمند^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ عضو هیئت علمی، گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

برنامه‌ریزی برای چگونگی ارتقای تعاملات اجتماعی در مناطق محروم مستلزم شناخت و ارزیابی عوامل موثر بر تعامل اجتماعی در شرایط محرومیت می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی رابطه شاخص‌های تجاری، فرهنگی، هنری و محرومیت اقتصادی با تعامل اجتماعی مردم ساکن در شهرستان اسلامشهر و محله تختی می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها جزء پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی است. گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای بر اساس چهار شاخص ذکر شده با ۱۸ گویه و بر مبنای پاسخ‌های مردم ساکن اسلامشهر با حجم نمونه ۱۰۲ نفر انجام شد. اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق نرم افزار SPSS21 و Smart-pls و آزمون معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد شاخص‌های محرومیت، فرهنگی و تجاری در تعامل اجتماعی اثر می‌گذارند. ضریب مسیر در شاخص محرومیت ۰.۱۶۸، شاخص فرهنگی ۰.۳۵۴، شاخص تجاری ۰.۱۲۰ و شاخص هنری ۰.۰۱۵ به دست آمده است. شاخص فرهنگی بیشترین تاثیر را بر تعامل اجتماعی ساکنین دارد و بعد از آن به ترتیب شاخص‌های محرومیت و تجاری بر تعاملات اجتماعی در محله تختی اسلامشهر تاثیر می‌گذارند و همچنین اثرگذاری شاخص هنری تأیید نشد.

واژه‌های کلیدی: تعامل اجتماعی، محله تختی اسلامشهر، محرومیت اقتصادی.

* این مقاله، برگرفته از رساله کارشناسی ارشد امین اسدی بگلوئی با عنوان « طراحی مرکز تجاری، فرهنگی هنری با رویکرد ارتقای تعامل اجتماعی با محوریت مناطق محروم (مطالعه موردی: محله تختی اسلامشهر) » (استاد راهنما: مهندس سعید ارجمند در دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال) می‌باشد.

۱. مقدمه

مهمترین ویژگی هر اجتماع، وجود کنش‌های اجتماعی چندجانبه و فزاینده در میان اعضای آن است. ساکنین یک محله به عنوان اعضای اجتماعی هستند که می‌توانند با تعامل و کنش‌های اجتماعی موجب حمایت و هدایت رفتار جمعی یکدیگر شوند. در برنامه‌ریزی شهری، فضاهای عمومی در شهرها عموماً در محلات تخصیص داده شده‌اند. محله مکانی است که بیشترین رفت و آمد در آن وجود دارد و عنصر مهمی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی ساکنین می‌باشد. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می‌تواند یک موضوع فیزیکی یک نگاه یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲)؛ اما امروزه بی‌توجهی به این مسئله موجبات مشکلات فراوانی شده است که به این ترتیب احساس جمعی اجتماع‌های محلی و وابستگی‌های احساسی به یک مکان در حال ناپدید شدن است (هافمن^۱، ۲۰۰۶: ۱۱). حسین سلطانزاده با اشاره به فضاهای تعامل و گفت و گو در قدیم، محله و عناصر داخلی آن که مقیاسی از تعامل را در دوره‌های گذشته شکل می‌داده اشاره می‌کند که: محلات و مساجد و تکایایی که در آن قرار می‌گرفتند عرصه‌ای برای تعاملات هرچه بیشتر مردم با هم بوده‌اند و حتی بازی کودکان در کوچه‌ها، سبب آموزش رفتارهای اجتماعی و یادگیری کنش اجتماعی بوده است. تعاملات اجتماعی، فضایی را شکل می‌دهد که در آن، عناصر فیزیکی و انسانی به کار گرفته می‌شوند. در این فضا روابط بین افراد در محله و شهر و ... شکل می‌گیرد" (حسین سلطانزاده، ۱۳۸۵ به نقل از ثابتی راد، ۱۳۸۵).

یکی از مهمترین موردی که در کنار سایر عوامل بر تعاملات اجتماعی اثرگذار است، موضوع محرومیت می‌باشد. فقر و محرومیت در بیشتر کشورها یکی از مسائل و مشکلات مهم برای برنامه‌ریزان شهری به شمار می‌آید. همچنین برخورد دولتها با این مشکل و اینکه چه راهکارهایی برای حل یا کاهش آن اتخاذ کنند، از مسائل مطرح و مشکل‌آفرین برای آنان می‌باشد (پقه، از کیا و رضوانفر، ۱۳۸۰: ۲۷۱). در نگرش محلی محرومیت‌های مختلفی متصور است اما آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، محرومیت اقتصادی می‌باشد.

مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان ارتقای کیفیت زندگی و رشد اجتماعی دانست که در شرایط محرومیت، اهمیت مدیریت اثرات آن دوچندان می‌شود؛ بنابراین پرداختن به مسائل ساکنین محلات محروم برای ارتقای تعامل اجتماعی بین اعضای جامعه کاملاً ضروری است. بر اساس آمارنامه منتشر شده اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران در سال ۱۳۹۳ (تعاون کار و رفاه اجتماعی استان تهران، ۱۳۹۳: ۳۷)، در میان چهارده شهرستان استان تهران، اسلامشهر با نرخ اشتغال مرد و زن ۸۵.۵۳ درصد به عنوان سیزدهمین شهرستان، دارای نرخ پایین اشتغال می‌باشد و از طرفی با نرخ بیکاری ۱۴.۴۷ درصد در کنار شهرستان ملارد بالاترین نرخ بیکاری را دارد که از متوسط نرخ بیکاری استان تهران بالاتر است. از طرفی گزارش فرمانداری اسلامشهر (اسلامشهر، ۱۳۹۳: ۱)، حاکی از پایین بودن متوسط درآمد خانوارهای ساکن اسلامشهر می‌باشد. در نتیجه شهرستان اسلامشهر به عنوان یکی از مناطق محروم از نظر اقتصادی می‌باشد که دارای هر دو بافت سنتی و جدید است که با توجه به اهمیت موضوع پژوهش محله تختی که جانمایی ویژه‌ای در سطح شهرستان دارد، انتخاب شد. کسانی که در این محله زندگی می‌کنند با توجه به وجود بافت فرسوده و کمبود امکانات شهری و همچنین جمعیت ساکن در آن، بیشتر تحت تاثیر شرایط محیطی و رفتارهای ساکنین محله قرار می‌گیرند. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه چهار شاخص ذکر شده با تعاملات اجتماعی مردم ساکن در این منطقه محروم اسلامشهر می‌باشد و به دنبال این مطلب است که تاثیر هر کدام از شاخص‌های تجاری، فرهنگی، هنری و محرومیت بر تعاملات اجتماعی ساکنین تا چه میزان می‌باشد.

¹ Huffman

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف «کاربردی» و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، «توصیفی-پیمایشی» است. شاخصهای تحقیق با استفاده از مطالعات میدانی و بررسی‌های پژوهشی پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده مسئول تدوین شده‌است. در این پژوهش از شاخص‌های (تجاری، فرهنگی، هنری و محرومیت) با ۱۸ گویه استفاده شده است. جامعه آماری با توجه به موضوع پژوهش، مردم محله تختی شهر اسلامشهر است که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۰۲ نفر تعیین گردید. شیوه توزیع پرسشنامه بدین صورت می‌باشد که ابتدا حجم نمونه مشخص گردید، سپس پرسشنامه‌ها به صورت فیزیکی و به صورت مجازی، توزیع گردید. مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای از سه گزینه هرگز، یک بار و بیش از یک بار و نحوه نمره‌دهی پرسشها از ۱ تا ۳ بود. برای تحلیل و سنجش مدل پژوهش از تحلیل داده‌ها به وسیله معادلات ساختاری استفاده شد. مدل سازی معادلات ساختاری یکی از انواع روش‌های آماری است که ابزاری در دست محققین جهت بررسی ارتباط میان چندین متغیر در یک مدل فراهم می‌سازد. علت نام‌گذاری این روش به SEM به دو دلیل است: اول؛ روابط میان متغیرها در این روش با استفاده از یک سری معادلات ساختار یافته تجزیه و تحلیل می‌شوند. دوم؛ این معادلات ساختار یافته در قالب مدل‌هایی ترسیم می‌شوند که به محقق امکان مفهوم‌سازی تئوری‌های پژوهش را با استفاده از داده‌ها می‌دهد. یکی از مهمترین دلایل استفاده محققین و پژوهشگران از این روش این است که مدل‌سازی معادلات ساختاری، روشی کامل و جامع برای آزمودن تئوری‌های یک تحقیق است. دلیل دیگر لحاظ نمودن خطای اندازه‌گیری توسط این روش است که به محقق اجازه می‌دهد تا تجزیه و تحلیل داده‌های خود را با احتساب خطای اندازه‌گیری گزارش دهد. نرم افزار مورد استفاده در این پژوهش برای این تحلیل SMART-pls است. این نرم افزار مدل‌های معادلات ساختاری را که دارای چند متغیر بوده و اثرات مستقیم و غیر مستقیم و تعاملی را شامل می‌شود، مورد تحلیل قرار میدهد.

در این پژوهش فرضیه‌ها به صورت زیر تعریف شده‌اند:

- فرضیه ۱: شاخص محرومیت اقتصادی تاثیر مثبت و معناداری بر تعاملات اجتماعی دارد.
- فرضیه ۲: شاخص تجاری تاثیر مثبت و معناداری بر تعاملات اجتماعی دارد.
- فرضیه ۳: شاخص فرهنگی تاثیر مثبت و معناداری بر تعاملات اجتماعی دارد.
- فرضیه ۴: شاخص هنری تاثیر مثبت و معناداری بر تعاملات اجتماعی دارد.

۳. مبانی نظری

۱.۳. تعامل اجتماعی

بروز تعاملات اجتماعی وابسته به حضور افراد در یک مکان معماری است. طبق دسته‌بندی یانگ گل از فعالیتهای بیرونی، حضور افراد در فضاها یک امر اختیاری و انتخابی است و بخشی از آن وابسته به کیفیت محیط مصنوع است. نقش طراح فضای معماری در فراهم آوردن زمینه‌ای برای فعالیتهای انتخابی و اختیاری کاربران امری حائز اهمیت است. این حوزه عمل طراح فضا است که شرایط لازم را برای وقوع فعالیتهای جمعی در یک مکان معماری فراهم آورد (یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۲:۱۴). بستر اصلی در تعاملات اجتماعی، ترکیب فعالیتها و عملکردها در مکانهای معماری برای ایجاد هویت واحد و اجتماع‌پذیر می‌باشد. فضاهای جمعی معماری نقشی اساسی در افزایش تعاملات شهروندان برعهده دارند (کشفی، حسینی و نوروزیان‌ملکی، ۱۳۹۱:۱۱). از میان ابعاد چندگانه انسجام اجتماعی و پایداری اجتماعی در مقیاس محله، تعاملات اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی، اهمیت حیاتی دارند (دیو^۱، ۲۰۱۱:۱۹۷). تعداد زیادی از تئوری‌ها و بحثهای تعامل اجتماعی و مشارکت اجتماعی از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی می‌آیند. تئوری‌های رفتار اجتماعی بر اساس مقیاس پرس و جو از هم متمایز می‌شوند: رفتار گروهی یا جمعی در بسیاری از تئوری‌های اجتماعی و رفتارهای فردی در روان‌شناسی (رامان^۲، ۲۰۱۰: ۶۷). از جمله

^۱ Dave

^۲ Raman

پژوهش میشلسون؛ او دریافت که مجاورت فضایی ساکنین، بر اساس موقعیت درها، الگوهای تعامل را تحت تأثیر قرار می‌دهد (تالن^۱، ۲۰۰۰: ۱۷۵).

همچنین پژوهش‌های متنوعی در داخل کشور پیرامون تعامل اجتماعی صورت گرفته است که به برخی اشاره می‌کنیم: کاشانی جو (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، این فضاها را به عنوان مکان سوم که نقش اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا مینمایند، می‌شناسد. وی سه دوره اصلی بر مبنای گرایش موضوعی به فضاهای شهری را در نظر گرفته است. در دوره پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰ تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری، در دوره دوم از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده‌مداری و تأثیرات محیطی- رفتاری فضاهای شهری و در دوران اخیر از ۱۹۹۰ تاکنون بیشترین فعالیتها و نظریه‌ها را مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی- پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی میدانند. ترابی (۱۳۹۱) تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، پنج عامل جذابیت و زیبایی، امنیت و آرامش و دسترسی و سلسله مراتب را برافزایش تعاملات اجتماعی تأثیرگذار دانسته است. دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۶) در تحقیق خود فرآیند اجتماع‌پذیری و ارتقاء حیات جمعی درون فضاهای عمومی را مبتنی بر پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا و حضور اجتماعی فعال و مداوم در فضا دانسته‌اند؛ و با توجه به آنها به فضاهایی چون دعوت‌کنندگی، امنیت، مطلوبیت و پاسخگوی فعالیتی در راستای هدفشان اشاره نموده‌اند.

۲.۳. مفاهیم پایه مرتبط با شاخص محرومیت

محرومیت یکی از مفاهیم پیچیده است که تعابیر گوناگونی برای آن از سوی محققان مختلف با توجه به اهداف آنان ارائه شده و تعریفی از آن که مورد توافق همه باشد، وجود ندارد؛ زیرا که محرومیت مقوله‌ای کیفی، به شدت نسبی و حتی اغلب اوقات تلقی مردم از آن ذهنی است. از سوی دیگر، ارتباط نزدیک مفهوم محرومیت با مفاهیمی مانند فقر، طرد اجتماعی، بی‌عدالتی و توسعه نیافتگی سبب شده است که بسیاری از محققان این مفاهیم را معادل هم بکار گیرند (پورطاهری، محمدی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۲۳). محرومیت به شرایط معین، نظیر نبود پوشاک، مسکن، وسایل رفاهی خانواده، آموزش و فعالیتهای اجتماعی به منابع نسبت داده می‌شود و از این رو از فقر متمایز می‌شود (برادوی و جستی^۲، ۱۹۹۸: ۱۴۳۲).

محرومیت ابعاد متعددی نظیر محرومیت اقتصادی، محرومیت سیاسی، محرومیت اجتماعی دارد (شیانی، ۱۳۸۴). طبق نظریه تاکی و استاویچ، علت ریشه‌ای محرومیت، اقتصادی است و از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: دستمزد پایین، عدم اشتغال و کاهش هزینه رفاه. محرومیت بسیار با مفهوم طرد اجتماعی مرتبط می‌شود (پاکیون^۳، ۲۰۰۳: ۱۲۸). محرومیت اقتصادی از شاخص‌های مورد استفاده در این زمینه است که به کمک ترکیبی از متغیرهای اشتغال و درآمد محاسبه می‌شود (نوبل، بارنس، رایست و روبرت^۴، ۲۰۰۹: ۲۸۱). در پژوهش حاضر بر اساس نظریه نوبل دو گویه جهت اندازه‌گیری متغیر محرومیت، مدنظر قرار گرفته است.

۳.۳. مفاهیم پایه مرتبط با شاخص تجاری

همواره مسائل تجاری در هر شهر با مفهوم بازار گره خورده است. جایی که تعاملات اجتماعی در سطح بالایی در آن قابل مشاهده است. بازار، محلی جغرافیایی است که عده‌ای از افراد را که داد و ستد آنان باعث ایجاد عرضه و تقاضا و قیمت واحد می‌شود در خود جمع می‌کند (اسدی، ۱۳۷۹: ۱۷).

¹ Talen

² Broadway & Jesty

³ Pacione

⁴ Noble, Barnes, Wright, & Roberts

در مورد بازار تمامی شواهد حاکی از این است که بازار به عنوان مهم‌ترین فضای تعاملات اجتماعی محیطی بسیار راحت و صمیمی برای داد و ستد و گفت و گو، دیدار و تماشاست. در جامعه‌ای که از انسان‌ها متشکل شده است، باتوجه به نیازهای گوناگون فردی و جمعی حتماً محل‌هایی که فعالیت تجاری در آن انجام می‌شود، میتوانند به عنوان عامل هدایت جمعی و رفتار اجتماعی مراجعین شود. قابلیت اجتماع‌پذیری بازار و کارکردهای آن باعث شد این شاخص در قالب ۵ گویه در پرسشنامه گنجانده شود.

۴.۳. مفاهیم پایه مرتبط با شاخص فرهنگی

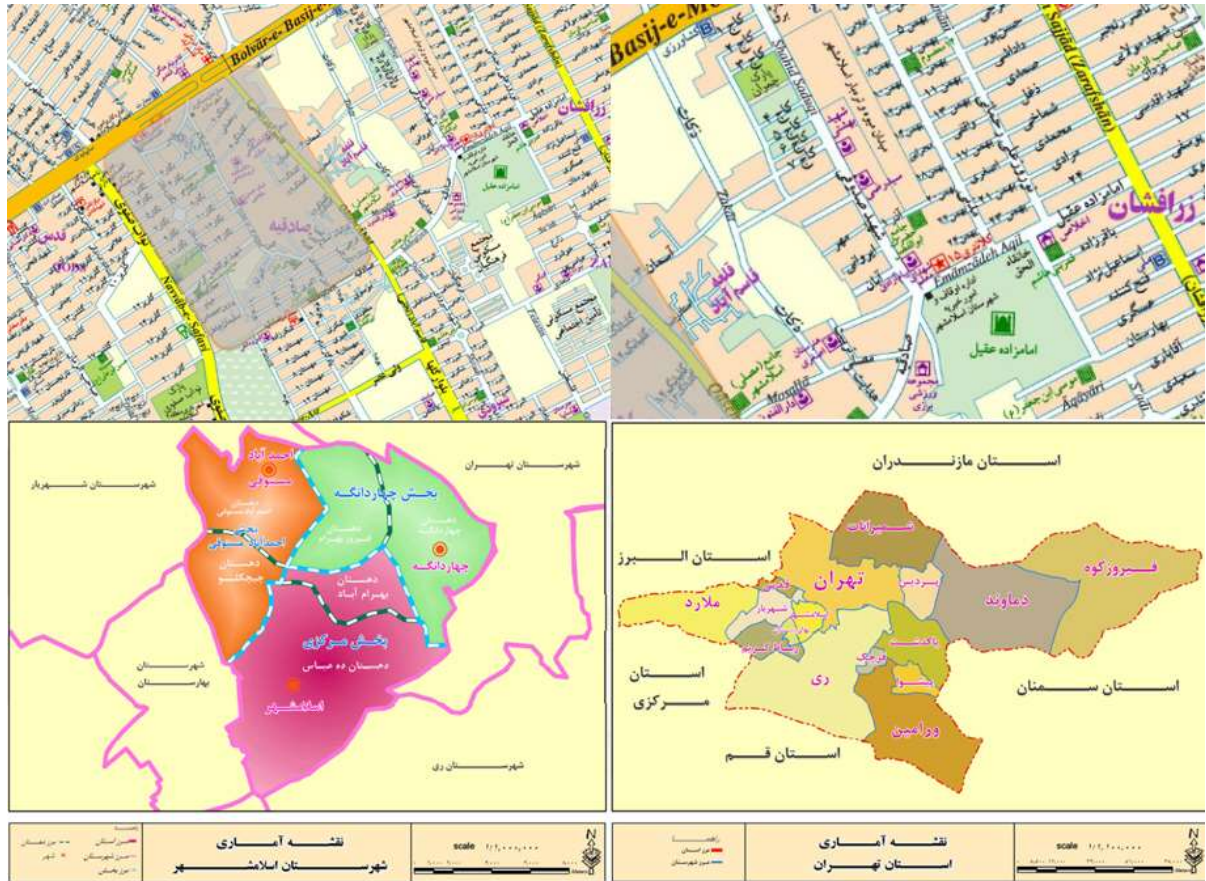
موضوع فرهنگ از گذشته زمینه ساز رشد فکری و رفتاری افراد شده است. فرهنگ مجموعه‌ی پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانسته‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که بوسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است. در واقع، فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک، فرهنگ مثل روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهتگیری خاص یا به ضد آن جهتگیری وادار میکند؛ بنابراین نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع - کالبد بزرگ انسانی - است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱: ۱). فضاهای فرهنگی به عنوان بخشی از فضاهای عمومی، افراد را درون سازمان‌های فضایی گوناگون به صورت اختیاری و برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی گردهم می‌آورند. این فضاها، محل مناسبی برای برقراری تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند و نقش مهمی در ایجاد و ارتقای تعاملات و ارتباط افراد با یکدیگر و زندگی اجتماعی آن‌ها دارد (رضازاده، ۱۳۹۴: ۱). لذا فعالیت فرهنگی در فضاهای شهری به عنوان یکی از مهمترین عوامل ارتقای تعاملات اجتماعی می‌باشد که برای دستیابی به اهداف پژوهش حاضر از آن به عنوان شاخصه فرهنگی بهره می‌بریم.

۵.۳. مفاهیم پایه مرتبط با شاخص هنری

انسانها هنر را برای تسکین خود برگزیده‌اند، چه هنرمندان و چه مخاطبان اثر هنری در هنر مایه آرامش می‌جویند. آنچه در هنر به نظر اصل می‌نماید، زیبایی است. هرچند در هر زمانی زیبایی را به شکل‌های مختلفی درک می‌کنند. فعالیت هنری با جذب طیف وسیعی از گروه‌های اجتماعی، حس هم‌گرایی و تعامل مستقیم شهروندان را با وجود بینش‌ها، احساس‌ها، خواسته‌ها و گرایش‌های مختلف تقویت میکند. در کنار هم قرار گرفتن فعالیت هنری و فرهنگی باعث به وجود آمدن مراکز فرهنگی و هنری بسیاری شده است که امروزه جز اماکن قطعی یک مجموعه شهری در آمده و بدون آن شهر از خلأ فرهنگی محسوس رنج می‌برد. لذا فعالیت هنری با ۵ گویه به عنوان عامل موثر در تعاملات اجتماعی مورد نظر قرار گرفت.

۴. محدوده مورد مطالعه

شهرستان اسلامشهر با مساحتی معادل ۱۹۵ کیلومتر مربع و با ارتفاع ۱۱۶۵ متر از سطح دریا بر روی آب‌رفتهای سیلابی یا مخروط افکنه سیلابهای جاری شده از دامنه‌های جنوبی البرز و در مختصات "۵۷°۳۵'۳۳" شمالی "۵۱°۱۵'۰" شرقی واقع شده است و پستی و بلندی قابل ملاحظه‌ای در آن یافت نمی‌شود (اسلامشهر، ۱۳۹۳: ۱). محله تختی واقع در منطقه دو شهرداری اسلامشهر می‌باشد. این محله از ضلع شمال بر محور اصلی شهر (بلوار بسیج مستضعفین)، از جنوب به خیابان صادقیه، از غرب با خیابان نواب صفوی و از شرق به خیابان تختی محدود می‌شود. اسلامشهر دارای قدمتی مقارن با هزاره پنجم پیش از میلاد می‌باشد و در روزگار کهن روستایی به نام قاسم‌آباد شاهی بوده‌است. یکی از روستاهای اسلامشهر فیروز بهرام است که بنای آن را به فیروز ساسانی نسبت داده‌اند. اسلامشهر در دوران قاجار منزلگاه اردوی همایونی بوده و به نام قاسم‌آباد خالصه نیز خوانده می‌شده‌است. (اسلامشهر، ۱۳۹۳: ۲) محله تختی در مرکزیت شهر اسلامشهر واقع شده است و از هسته‌های اولیه شهر می‌باشد که دارای بافت فرسوده و فشرده است. همچنین به علت وجود مصلی بزرگ اسلامشهر و امامزاده عقیل (ع) در این محله، دارای حجم بسیار رفت و آمد مردم می‌باشد.



شکل ۱- موقعیت شهرستان اسلامشهر در استان تهران
 مأخذ: تعاون کار و رفاه اجتماعی استان تهران، ۱۳۹۳:۱۰

۵. مرور یافته‌ها

بحث تعامل اجتماعی و ارتباط آن با مسائل مختلف فردی و غیرفردی موجب جایگاه مهم آن در جامعه شده است. از فعالیتهای روزمره مختلف تا مسئله ای مانند محرومیت بر آن اثرگذار است. در این پژوهش سعی شده با دیدگاهی واکاوانه، صرفاً شاخصهای به خصوصی از تعامل اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد. اینکه کدامیک از شاخصها تاثیر بیشتری بر تعامل اجتماعی دارد، دیدگاه و رفتار مردم ساکن اسلامشهر و اهالی محله تختی مشخص می‌کند. برای این منظور از نرم‌افزار آماری Smart-PLS استفاده شده است. در روش معادلات ساختاری، پایایی و روایی بررسی می‌شود. برای بررسی اعتبار سازه‌ها، فرنل و لارکر (۱۹۸۱)، سه ملاک را معرفی کرده اند که شامل پایایی هرکدام از گویه‌ها، اعتبار ترکیبی (CR) هر یک از سازه‌ها و متوسط واریانس استخراج شده (AVE) است. در مورد اعتبار هر یک از گویه‌ها، مقدار بار عاملی ۰.۴ و بیشتر هر گویه در تحلیل عاملی تاییدی، این مطلب را ثابت می‌کند که واریانس بین سازه و شاخصهای آن از واریانس خطای اندازه‌گیری برای ارزیابی پایایی پرسشنامه در این پژوهش از بررسی سازگاری درونی و برای بررسی روایی از روایی همگرا (همسان) استفاده شد. یکی از روشهای پرکاربرد برای بررسی پایایی مدل‌های اندازه‌گیری، بررسی سازگاری درونی است. نتایج این بررسی در جدول شماره یک قابل مشاهده است.

جدول ۱: ضریب پایایی ترکیبی و روایی همگرا

مأخذ: نگارندگان

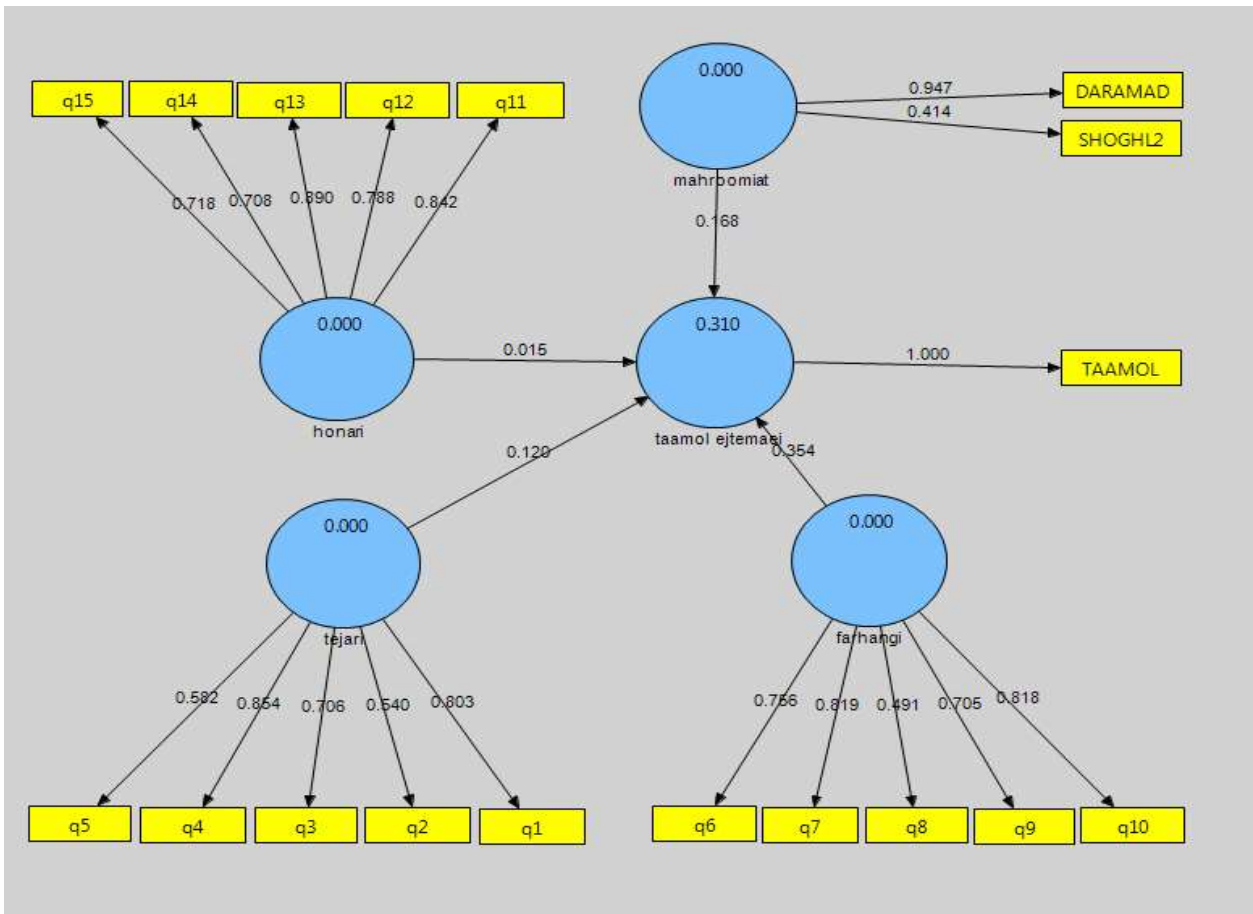
پایایی ترکیبی	استخراج میانگین یا واریانس AVE شده	
0.829182	0.500085	تجاری
0.845755	0.530045	فرهنگی
0.893228	0.627764	هنری
0.665523	0.534255	محرومیت
1.000000	1.000000	تعامل اجتماعی

جدول شماره یک، ضرایب شاخصهای سازگاری درونی را نشان می‌دهد. همه میانگین واریانسهای محاسبه شده بیشتر از ۰.۵ می‌باشند و همه میانگین ضرایب پایایی مرکب و بیشتر از حد بحرانی ۰.۶ هستند. در نتیجه می‌توان گفت مدل‌های اندازه‌گیری در حد قابل قبولی قرار دارند. مرحله بعدی بررسی مدل‌های اندازه‌گیری از نظر روایی و پرداختن به سنجش توانایی مدل‌های اندازه‌گیری در سنجش پدیده مورد نظر است. یک روش قدرتمند برای این کار بررسی روایی سازه از طریق ارزیابی روایی واگرا و همگرایی مدل‌های اندازه‌گیری است. روایی همگرا نمرات شاخصهایی را بررسی می‌کند که برای سنجش یک سازه تعریف شده اند. روایی همگرا به این معناست که مجموعه معرفیها، سازه اصلی را تبیین می‌کند. اگر شاخصها نتایج یکسانی را نشان دادند، در نتیجه روایی همگرا وجود دارد (جدول شماره ۲).

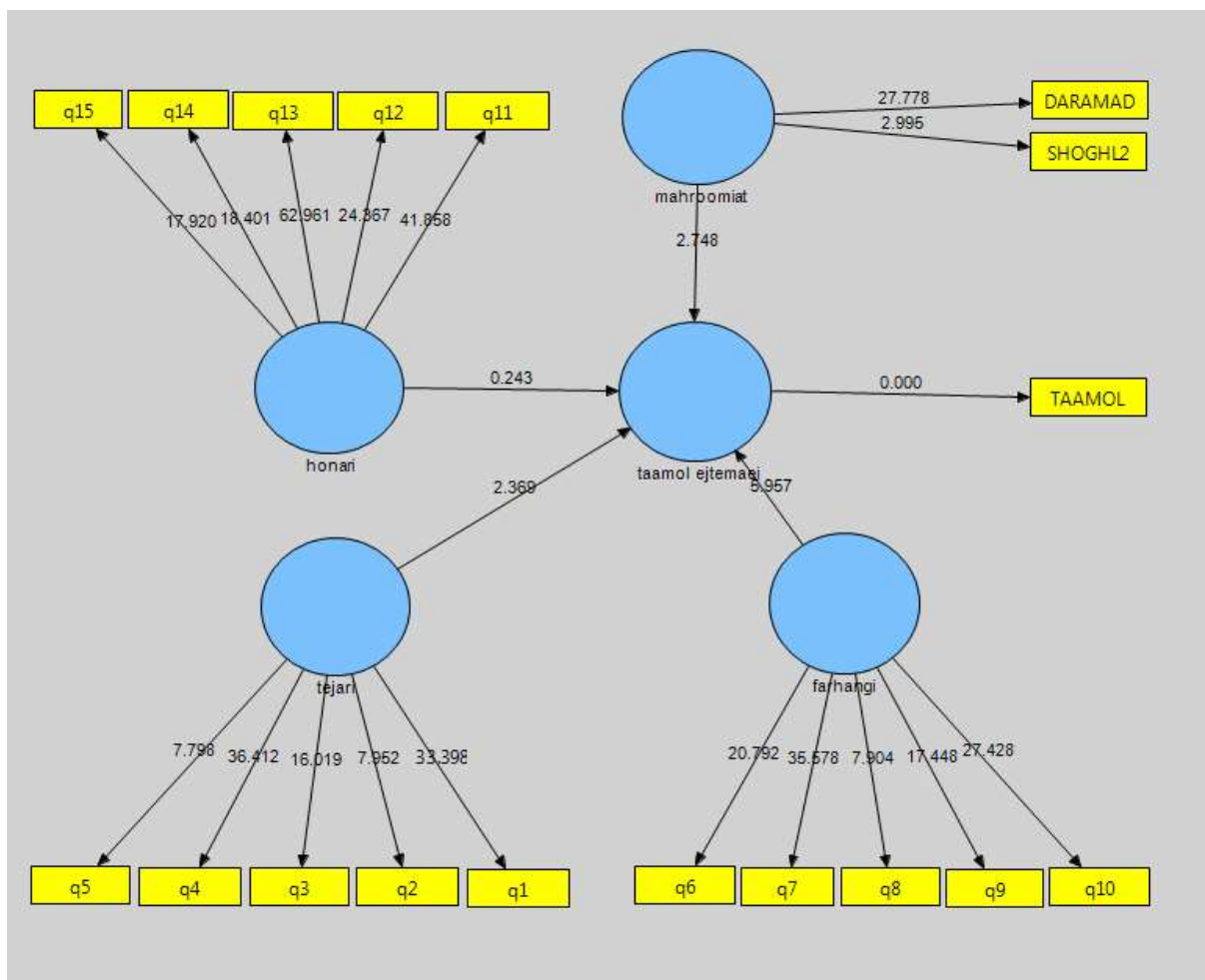
جدول ۱- بارهای عاملی گویه‌ها

مأخذ: نگارندگان

تعامل اجتماعی	محرومیت	هنری	فرهنگی	تجاری	
0.289121	0.115242	0.356612	0.363208	0.802670	Q1
0.164767	0.376051	0.332553	0.433754	0.539922	Q2
0.357439	0.229574	0.695722	0.541112	0.705623	Q3
0.399952	0.296953	0.505545	0.590797	0.853539	Q4
0.098594	0.251446	0.490626	0.388981	0.581549	Q5
0.417311	0.377517	0.58328	0.756131	0.674187	Q6
0.417311	0.411023	0.553086	0.818969	0.459852	Q7
0.069635	0.316473	0.454008	0.490943	0.385325	Q8
0.377272	0.368284	0.573725	0.705373	0.407349	Q9
0.458124	0.396497	0.656834	0.81805	0.501568	Q10
0.409808	0.325635	0.842292	0.75305	0.717499	Q11
0.381451	0.348278	0.787543	0.618203	0.48252	Q12
0.358137	0.294438	0.890445	0.676655	0.577006	Q13
0.308030	0.472055	0.707697	0.525948	0.478527	Q14
0.268440	0.356665	0.717925	0.399776	0.363700	Q15
0.381835	0.94697	0.502787	0.579667	0.423121	DARAMAD
0.134814	0.414436	-0.043978	0.080733	0.176070	SHOGLH
1.000000	0.392789	0.442592	0.529397	0.419961	TAAMOL



تصویر ۱ - ضریب معناداری شاخص‌های پژوهش بر ابعادشان
مأخذ: نگارندگان



تصویر ۲ - مدل آزمون پژوهش (ضرایب مسیر و بارهای عاملی)

مأخذ: نگارندگان

جدول ۳ - خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها

مأخذ: نگارندگان

نتیجه	p-value	آماره T	ضریب مسیر	
تأیید شد	0.05	2.369	0.120	تجاری ← تعامل اجتماعی
تأیید شد	0.05	5.957	0.354	فرهنگی ← تعامل اجتماعی
تأیید نشد	0.05	0.243	0.015	هنری ← تعامل اجتماعی
تأیید شد	0.05	2.748	0.168	محرومیت ← تعامل اجتماعی

جدول شماره دو نشان می‌دهد که بارهای عاملی شاخصهای درون هر سازه نسبت به سازه بیرونی آن، مقدار بیشتری را به خود

اختصاص می‌دهند که این می‌تواند نمایانگر روایی همسان بین شاخصهای هریک از سازه‌های پژوهش باشد. در نرم افزار Smart-pls ارزش t ، معنی‌دار بودن اثر متغیرها را بر هم نشان می‌دهد، اگر مقدار t بیشتر از ۱.۹۶ باشد، یعنی اثر مثبت وجود دارد. اگر بین ۱.۹۶ تا -۱.۹۶ باشد، اثر معنی‌داری وجود ندارد و اگر کوچکتر از -۱.۹۶ باشد، یعنی اثر منفی دارد ولی معنی‌دار است. همچنین اگر ضرایب مسیر بالای ۰.۶ باشد به معنی ارتباط قوی بین دو متغیر است، اگر بین ۰.۳ تا ۰.۶ باشد ارتباط متوسط و اگر زیر ۰.۳ باشد، ارتباط ضعیفی وجود دارد. شکل خروجی از نرم افزار، ضرایب مسیر (تصویر شماره چهار) و مقدار t (تصویر شماره پنج) را نشان می‌دهد که با استفاده از آن می‌توان فرضیه‌های پژوهش را تحلیل نمود. با توجه به جدول شماره سه و تصویرهای شماره دو و سه می‌توان نتیجه گرفت که نتیجه حاصل از آزمون فرضیه اول (تأثیر محرومیت اقتصادی بر تعامل اجتماعی) باتوجه به ضریب مسیر ۰.۱۶۸ و مقدار t ۲.۷۴۸ نشان می‌دهد شاخص محرومیت اقتصادی بر تعامل اجتماعی تأثیر معنی‌دار و مثبت دارد. در آزمون فرضیه دوم (تأثیر مثبت شاخص تجاری بر تعامل اجتماعی) با ضریب مسیر ۰.۱۲۰ و مقدار t ۲.۳۶۹ مشخص گردید شاخص تجاری بر تعامل اجتماعی ساکنین محله تختی اسلامشهر تأثیر معنی‌دار و مثبت دارد. همانطور که بازار به عنوان جزء جدانشدنی در شکل‌گیری استخوان‌بندی شهر بوده است و همچنان محل کنش و واکنشهای اجتماعی شهروندان می‌باشد که در پایان‌نامه ماهر (۱۳۹۲) مرکز تجاری محله به عنوان عنصر اساسی تعامل اجتماعی معرفی شده است. در بررسی فرضیه سوم (تأثیر مثبت شاخص فرهنگی بر تعامل اجتماعی) با ضریب مسیر ۰.۳۵۴ و مقدار t ۵.۹۵۷ مشخص‌کننده این است که شاخص فرهنگی تأثیر مثبت و قوی بر تعامل اجتماعی دارد. همانطور که محرقی‌زاده و مومنی دهقی (۱۳۹۳) با تأیید تأثیرپذیری کیفیت فضاهای فرهنگی بر افزایش تعاملات اجتماعی؛ این پژوهش را با نمونه موردی فرهنگسرای نفت آبادان مورد سنجش قرار دادند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم (تأثیر شاخص هنری بر تعامل اجتماعی) با ضریب مسیر ۰.۰۱۵ و مقدار t ۰.۲۴۳ گواه بر این است که شاخص هنری تأثیر ضعیف و بی معنی در تعامل اجتماعی ساکنین اسلامشهر و محله تختی اسلامشهر دارد که در نتیجه فرضیه سوم تأیید نمی‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین مباحثی که طی سال‌های طولانی کلیه جوامع با آن مواجه هستند مسئله محرومیت جامعه و به ویژه محرومیت اقتصادی می‌باشد. از طرفی نگرشها به تعاملات اجتماعی اعضای جامعه معطوف به عموم مردم بوده است. لذا اثری که محرومیت در تعاملات اجتماعی ایجاد نموده است مدنظر قرار گرفت. به خصوص در مناطقی که عموم افراد ساکن در آن با شرایط محرومیت اقتصادی روزگار می‌گذرانند. لذا این پژوهش به دنبال بررسی رابطه تعامل اجتماعی در منطقه‌ای محروم از اسلامشهر با در نظر گرفتن اثر شاخصهای تجاری، فرهنگی، هنری و محرومیت بر آن می‌باشد. باید گفت مقوله تعامل اجتماعی همانند مقوله‌های کیفیت زندگی دارای دو جنبه عینی و ذهنی است. جنبه عینی شامل برداشت شخصی افراد از ارتباطات و تعامل اجتماعی‌شان می‌شود. به منظور بررسی تعامل اجتماعی از جنبه عینی با در نظر گرفتن شرایط بومی منطقه اسلامشهر از چهار شاخص بهره گرفته شده است. شاخص‌ها به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که تعاملات عینی و متنوعی را با محوریت مناطق محروم مورد بررسی قرار دهند. با استفاده از ۱۰۲ پرسشنامه که به صورت نمونه‌گیری تصادفی منطقه‌ای بین ساکنین اسلامشهر از دو طریق حضوری و اینترنتی توزیع و گردآوری شد. سپس اثرگذاری و معناداری هرکدام از شاخصها بر تعاملات اجتماعی بررسی شد. نتایج پژوهش بیانگر این است که شاخصهای محرومیت، تجاری و فرهنگی بر تعاملات اجتماعی در اسلامشهر اثر معناداری دارند اما شاخص هنری با کمترین میزان ضریب مسیر کاملاً بی‌تأثیر است. بالاترین میزان تأثیر را شاخص فرهنگی بر تعامل اجتماعی می‌گذارد. در رویکرد اجتماعی، فرهنگ و فعالیت فرهنگی به منظور ارتقای تعاملات اجتماعی ساکنین، این امکان را می‌دهد که فعالیتهای فرهنگی برای ارتباط جمعی توسط افراد انتخاب شوند. شاخص محرومیت از لحاظ میزان تأثیر بعد از شاخص فرهنگی قرار دارد. در شرایط محرومیت اقتصادی، آنچه موجب نشاط و پویایی زندگی مردم ساکن اسلامشهر می‌شود برقراری تعاملات اجتماعی با یکدیگر می‌باشد. شاخص تجاری از لحاظ میزان تأثیر بعد از شاخص فرهنگی قرار دارد. شهر اسلامشهر و محله تختی به لحاظ وضع موجود مراکز تجاری دارای محدودیتهایی است. محله

تختی با وجود جانمایی محوری خود در سطح شهر از لحاظ فضای فعالیتهای اقتصادی و خرید مردم با کمبود مواجه است. شاخص هنری در تعاملات اجتماعی ساکنین محله تختی اسلامشهر فاقد تاثیر است و نشان می دهد فعالیت هنری در محله تختی متناسب با روحیات و رفتار ساکنین نمی باشد. در این شاخص به جز اهمیت گویه مسابقات هنری، گویه های دیگر مانند بازدید از گالری هنری، آموزش و یادگیری هنرهای دستی، زیباسازی بصری و موسیقی از نظر پاسخگویان اهمیت کمتری داشته است که سبب شده در مجموع شاخص هنری تاثیر کمتری داشته باشد. نتایج تحقیق همسو با نظریه تامپسون^۱ (۱۹۸۸): (۷۶) است که به نوعی به این مطلب پرداخته اند که ارتباط و تعامل محیط فعالیت و مردم به گونه ای باید باشد که فقیر و غنی و تمام اقشار در آن در تعاملات اجتماعی مختلف باشند.

۷. پیشنهادات

براساس گویه های پرسشنامه مربوط به شاخصهای موثر فرهنگی، تجاری و محرومیت که اثر آنها بر تعامل اجتماعی اثبات شده است پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت شاخصها ارائه می شود. در خصوص شاخص فرهنگی مواردی نظیر برگزاری مسابقات فرهنگی مانند مسابقه کتابخوانی در سطح محله، برگزاری کلاسها و کارگاههای آموزشی و مهارتی، ایجاد مکانی برای ارائه خدمات مشاوره از جمله مشاوره خانواده، برگزاری اردوهای فرهنگی و تفریحی، ترویج آموزه های فرهنگی در قالب نمایش فیلم و تئاتر می تواند مدنظر قرار بگیرد. همچنین جهت ارتقای وضعیت شاخص تجاری مواردی نظیر ایجاد مراکز خرید محلی و ترویج خرید هدفمند، برگزاری دوره های آشنایی با بورس و روش های سرمایه گذاری، برپانمودن نمایشگاه های بورس کالا پیشنهاد می شود. با توجه به پژوهش (قنبران و مرضیه جعفری، ۱۳۹۳: ۵۷)، تأمین نیاز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است. در خصوص بهبود شاخص محرومیت توجه به این موضوع دارای اهمیت است. از اینرو طراحی و احداث مکانی دارای قابلیت اجتماع پذیری با رویکرد فعالیت فرهنگی و تجاری پیشنهاد می شود (وایت^۲، ۱۹۸۰: ۲۵۱). عوامل تأثیرگذار در ارتقاء جنبه های کالبدی فضاهای عمومی را یادمان ها، پله ها، آب نماها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان ها به حضور و تعامل می داند. همچنین (لنارد^۳، ۱۹۸۴: ۱۸۴) دو عامل کالبد و پیش بینی و خلق رویدادهای اجتماعی را از عوامل تأثیرگذار در حضور و تعامل اجتماعی افراد می داند. در نتیجه با در نظر گرفتن اولویتهای کالبدی، می توان با تاسیس مراکزی مشابه سرای محله و محوریت فعالیت فرهنگی، ضمن ایجاد بستر آموزشی برای افراد موجب برپایی گردهمایی های محلی شود. با توجه به گویه ها، طراحی و ساخت فضای نمایش فیلم و تئاتر در مرکز محله تختی می تواند محل مناسبی برای تعاملات اجتماعی باشد. همچنین براساس مفاد گزارش PPS و با رویکرد ایجاد فرصتهای برقراری تعامل اجتماعی، مواردی نظیر ایجاد زمین بازی، آلاچیق برای غذاخوردن، فضای باز عمومی برای تجمع افراد و دوستان با امکان نشستن و مکث، تعریف ورودیهای دعوت کننده برای ارتقای شاخص محرومیت پیشنهاد می شود. در ادامه با عنایت به محدودیتهای موجود در پژوهش، پیشنهادهای تشریح می شود که محققین آتی می توانند با ملاحظه آنها به غنای نتایج تحقیق بیافزایند؛ با توجه به این که فرهنگ و هنر مقوله ای وسیع و در عین حال بسیار ژرف و چند بعدی است، امکان تحقیقات زیادی در رابطه با آن وجود دارد؛ بنابراین پیشنهاد می شود با استفاده از روش های پژوهشی دیگر و به منظور درک مناسبتر از فرهنگ و ارتباط آن با تعامل اجتماعی، تحقیقات بیشتر و وسیعتری در کتابخانه های مرکزی و دانشگاه ها (به عنوان سازمانهای مادر) صورت گیرد. از طرفی به دلیل تعداد اندک تحقیقات انجام شده در مورد در کشور، توصیه می شود تحقیقات بیشتری در این مورد صورت گیرد. شناسایی فعالیتهای تجاری و فرهنگی که بین ساکنین محله وجود دارد، می تواند موجب شناسایی دقیقتر راهکارهای ارتقای تعامل اجتماعی با رویکرد غالب تجاری و فرهنگی باشد؛ بنابراین پیشنهاد می شود در پژوهش دیگری به بررسی و شناسایی راهکارهای ارتقای تعامل اجتماعی که می تواند بر جنبه های مختلف محرومیت اثرگذار باشد، پرداخته شود. همچنین با توجه به نقش تعیین کننده نوع تعامل اجتماعی بر متغیرهایی مانند شاخص فرهنگی، تجاری و محرومیت پیشنهاد می شود مطالعه ای

^۱ Thompson

^۲ Whyte

^۳ Lennard

در رابطه با ارتباط این متغیرها با انواع تعاملات اجتماعی صورت گیرد. در پایان پیشنهاد می‌شود با استفاده از سایر روش های تحقیق نیز این پژوهش را انجام داد تا بتوان نتایج را با اطمینان بیشتری تعمیم داد و همچنین پیشنهاد می‌شود تحقیقی جهت بررسی علل عدم توجه جدی برنامه‌ریزان شهری و معماران نسبت به موضوع محرومیت صورت گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اسدی، ایرج. (۱۳۷۹). مراکز خرید؛ مبانی مطالعاتی. ماهنامه شهرداری ها، ۲(۲۰)، ۱۷-۲۱.
۲. اسلامشهر، فرمانداری. (۱۳۹۳). اسلامشهر در یک نگاه. فرمانداری اسلامشهر . Retrieved from <https://islamshahr.ostan-th.ir/Page/13/> اسلامشهر-در-یک-نگاه.html.
۳. پورطاهری، مهدی؛ محمدی، ناهیده؛ و رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۳). ارزیابی و سنجش محرومیت در سطح مناطق روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان جوانرود. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۳(۹)، ۱۷-۴۰. Retrieved from <http://serd.khu.ac.ir/article-1-2149-fa.html>.
۴. پقه، نور محمد؛ ازکیا، مصطفی؛ و رضوانفر، احمد. (۱۳۸۰). تعیین کننده های اقتصادی- اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۹(۳۴)، ۲۵۷-۲۸۰.
۵. ترابی، محمد. (۱۳۹۱). طراحی محله براساس تاثیر ویژگی های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی - دانشکده معماری و شهرسازی.
۶. اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی استان تهران. ک. (۱۳۹۳). آمارنامه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران سال ۱۳۹۳، ۳۷ - ۳۱. تهران.
۷. ثابتی راد، عباس. (۱۳۸۵). نقش فضای کالبدی در نشاط جامعه شهری. روزنامه همشهری، pp. 3-10. Retrieved from <http://www.hamshahronline.ir/hamnews/1385/850713/world/mycity.htm>
۸. خامنه ای، سید علی. (۱۳۸۱). بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم . Retrieved from <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3162>
۹. دانشپور، سید عبدالهادی؛ و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، ۴(۷)، ۱۹-۲۸. Retrieved from http://www.bagh-sj.com/article_64.html
۱۰. رضازاده، هدیه. (۱۳۹۴). نقش تعاملات اجتماعی در طراحی بناهای فرهنگی. در سومین کنفرانس بین المللی پژوهشهای کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری. دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی . Retrieved from http://www.civilica.com/Paper-CEUCONF03-CEUCONF03_436.html
۱۱. شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴). فقر، محرومیت و شهروندی در ایران. رفاه اجتماعی، سال پنجم (۱۸)، ۳۸.
۱۲. قنبران، عبدالحمید؛ و جعفری، مرضیه. (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه - تهران). معماری و شهرسازی ایران، (۷)، ۵۷.
۱۳. کاشانی جو، خشایار. (۱۳۸۹). بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. هویت شهر، (۶)، ۹۵-۱۰۶. Retrieved from <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/988607>
۱۴. کشفی، محمدعلی، حسینی، سیدباقر و نوروزیان ملکی، سعید. (۱۳۹۱). نقش فضاهای عمومی ساختمان های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین: پژوهش موردی: برج بین المللی تهران. مدیریت شهری، (۳۰)، ۷-۱۸. Retrieved from <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1029506>
۱۵. ماهر، محمد مهدی. (۱۳۹۲). طراحی مرکز تجاری محله با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی شهروندان. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی - دانشکده معماری و شهرسازی-ganj. Retrieved from <https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/791530>

۱۶. محرقی زاده، پرستو؛ و مومنی دهقی، کورش. (۱۳۹۳). بررسی میزان تاثیر پذیری کیفیت فضاهای فرهنگی بر افزایش تعاملات اجتماعی نمونه موردی فرهنگسرای نفت آبادان در کنفرانس بین المللی نیارش شهر پایا. موسسه سفیران فرهنگی مبیین- Retrieved from http://www.civilica.com/Paper-SCIENC01-SCIENC01_070.html
۱۷. یزدانفر، سیدعباس، حسینی، سیدباقر و زرودی، مصطفی. (۱۳۹۲). فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی؛ مطالعه موردی: مجتمع مسکونی کوثر و فاز دو مجتمع مسکونی اکباتان. مدیریت شهری، (۳۲)، ۷-۲۲. Retrieved from <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1029546>
18. Broadway, Michael, & Jesty, Gillian. (1998). Are Canadian Inner Cities Becoming More Dissimilar? An Analysis of Urban Deprivation Indicators. *Urban Studies*, 35, 1423-1438.
19. Dave, Seema. (2011). Neighbourhood density and social sustainability in cities of developing countries. *Sustainable Development*, 19(3), 189-205.
20. Fornell, Claes, & Larcker, David. F. (1981). Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50. <https://doi.org/10.2307/3151312>
21. Huffman, Richard. (2006). The Value of Urban Space: Philadelphia's Rittenhouse Square. *Urban Land*, 1(65), 108-111.
22. Lennard, S. H. C, & Lennard, H. L. (1984). *Public Life in Urban Places: Social and Architectural Characteristics Conducive to Public Life in European Cities*. Gondolier Press/Imcl Council, 181-190. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=SKJNAAAAYAAJ>
23. Noble, Michael, Barnes, Helen, Wright, Gemma, & Roberts, Benjamin. (2009). Small Area Indices of Multiple Deprivation in South Africa. *Social Indicators Research*, 95(2), 281. <https://doi.org/10.1007/s11205-009-9460-7>
24. Pacione, Michael. (2003). *Urban geography, a global perspective* (2th ed.). London: Routledge.
25. Raman, S. (2010). Designing a Liveable Compact City: Physical Forms of City and Social Life in Urban Neighbourhoods. *Built Environment*, Vol. 36(No. 1), 63-80. Retrieved from <http://wrap.warwick.ac.uk/47041/>
26. Talen, Emily. (2000). The problem with community in planning. *CPL Bibliography*, 15(2), 171-183.
27. Thompson, J. N. (1988). Variation in Interspecific Interactions. *Annual Review of Ecology and Systematics*, 19(1), 65-87. <https://doi.org/10.1146/annurev.es.19.110188.000433>
28. Whyte, W. H. (1980). *The Social Life of Small Urban Spaces*. Conservation Foundation, 245-253. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=ugexAAAIAAJ>

Investigation of the relationship between the four index of deprivation, commercial, cultural and artistic with social interaction (case study: takhty district of islamshahr city) *

Amin Asadi Beglouei¹, Saeid Arjmand²

1- M.A student, Department of Architecture, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Faculty member, Department of Architecture, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract

The upgrade plan of social interactions in deprived areas needs to recognition and evaluation of the effective factors on social interaction in deprived conditions. The purpose of this study was to investigate the relationship between commercial, cultural, artistic and economic deprivation with social interaction of people residing in Islamshahr and Takhti district. The purpose of this research is practical and data were collected by the descriptive-survey method. Data collection was done through a questionnaire based on four indicators with 18 items and the response of 102 people as the sample size in Islamshahr. The collected data were analyzed using SPSS21, Smart-pls software and Structural equation test. The results show that the indexes of deprivation, cultural and commercial influence on social interaction. The path coefficient in the deprivation, cultural, commercial and artistic indexes is 0.168, 0.354, 0.120 and 0.015, respectively. The cultural index has the greatest impact on the social interaction and then, in the Takhti district of Islamshahr, the indexes of deprivation and commercial affect the social interactions, and also the effectiveness of the artistic index was not confirmed.

Keywords: Social interaction, Takhty district of Islamshahr, Economic deprivation.

* This article is derived from the master's thesis of Amin Asadi Baglouee, entitled "Designing a Commercial, Cultural-Artistic Center for Promoting Social Interaction Based on Deprived Areas" (Case Study: Takhti district of Islamshahr) (Supervisor: Saeed Arjomand, Faculty of Engineering And engineering at Islamic Azad University, North Tehran Branch)..